

نگاهی به عادی‌سازی روابط آمریکا و کوبا

اقتصاد، دیوار بی‌اعتمادی را فروریخت



بهاره محبی

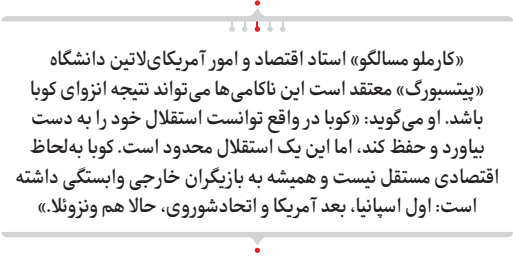
چنددهه پیش، در روزهای پیش از به‌قدرت‌رسیدن «فیدل کاسترو»، رهبر کوبا، ایالات‌متحده آمریکا و کوبا متحدان تجاری گرمابه و گلستان هم بودند. کشتی‌های باری؛ فلز، روی و سنگ آهک کوبایی را به بندر «نیوآرلان» در ایالات‌متحده می‌بردند و محصولات کشاورزان آمریکایی از قلب ایالات‌متحده به هاوانا حمل می‌شد. کوبایی‌ها برنج گشت و به‌عمل‌آمده در ایالات‌متحده را می‌خوردند و گردشگران آمریکایی کلوب‌ها و مراکز تفریحی هاوانا را پر می‌کردند. اما تمام این روابط با به قدرت‌رسیدن فیدل کاسترو در کوبا در سال۱۹۵۹ میلادی و ملی‌کردن دارایی‌های شرکت‌های آمریکایی در دهه۱۹۶۰ میلادی به پایان رسید. اکنون پس از نیم‌قرن، دوکشور تصمیم گرفته‌اند تا روابط خود را بازسازی کرده و پل‌های همکاری‌های اقتصادی را دوباره ترمیم کنند. روزنامه فرانسوی «لیبراسیون» پس از سخنرانی تلویزیونی «پاراک اوپاما» و «رائول کاسترو» روسای جمهوری آمریکا و کوبا درباره عادی‌سازی روابط دوطرفه، می‌نویسد فیدل کاسترو، پس از آنکه با انقلاب، قدرت را در کوبا به‌دست گرفت و مردم خود را از تسلط شرم‌آور گروه‌های مافیایی-آمریکایی رهایی بخشید، به جای آنکه راه دموکراسی و اقتصاد متعارفی را برگزیند، نسخه حاره‌ای کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی را بر مردم خود تحمیل کرد. اکنون تصمیم رائول کاسترو، برادر فیدل، برای عادی‌سازی روابط با ایالات‌متحده پس از ۵۰سال نشانگر این واقعیت‌است که بیلان کلی او باوجود پیشرفت‌هایی در برخی شاخص‌های توسعه، منفی بوده است. (بنابر آمار بانک جهانی، نظام آموزشی کوبا به‌ویژه در زمینه تحصیلات پزشکی از همه کشورهای آمریکای‌لاتین و منطقه کاراییب بهتر است) به‌عبارت دیگر، اگرچه کوبا، بدون وابستگی به درآمد نفت و گاز و با وجود تحریم‌های همه‌جانبه توانسته است در طول دهه‌های گذشته به حیات خود ادامه دهد، اما اقتصادش در نیم‌قرن گذشته همواره در کمبود و فساد غوطه‌ور بوده است.

وعده‌های محقق نشده یک انقلاب

به گزارش دویچه‌وله، «پدرو کامپوس» مورخ کوبایی، می‌گوید: «برنامه‌های اصلاحات اقتصادی کاسترو از برنامه حزب کمونیست قدیم هم سوسیالیستی‌تر بود. کمونیست‌ها خواستار یک حزب واحد، سرمایه‌داری دولتی نظارت‌شده و تعاونی‌های کشاورزی بودند؛ درست همان‌طور که استالینیسم آن را موعظه می‌کرد. اما کاسترو می‌خواست به شهروندان حقوق بیشتری بدهد، کارگران را در ارزش شرکت‌ها سهیم کند، شبکه‌های خودگردان کشاورزی را تقویت کند و به تقویت روند دموکراسی برای مشارکت بیشتر شهروندان بپردازد. با گذشت بیش از ۵۰سال، اما بیشتر این وعده‌ها به‌درستی تحقق نیافته‌اند. در چنین شرایطی رائول کاسترو برای جلوگیری از ورشکستگی کوبا با بزرگ‌ترین دشمن خود، یعنی آمریکا وارد مذاکره شد تا بتواند تحریم‌هایی را که بر کرده این کشور سنگینی می‌کند، بردارد. «کارملو مسالگو» استاد اقتصاد و امور آمریکای‌لاتین دانشگاه «پیتسبورگ» معتقد است این ناآگاهی می‌تواند نتیجه انزوای کوبا باشد. او می‌گوید: «کوبا در واقع توانست استقلال خود را به دست بیاورد و حفظ کند، اما این یک استقلال محدود است. کوبا به‌لحاظ اقتصادی مستقل نیست و همیشه به بازیگران خارجی وابستگی داشته است: اول اسپانیا، بعد آمریکا و اتحادشوروی، حالا هم ونزوئلا.»

واقعیت‌های تلخ اقتصادی

کوبا در پایان دهه۸۰ قرن‌بیستممیلادی به بهترین شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی تاریخ خود دست یافت. اما با متلاشی شدن اتحادشوروی در آستانه دهه۹۰، وضعیت تغییر بنیادین یافت. این کشور که پس از انقلاب و قطع روابط با آمریکا شدیداً به کمک‌های مالی اتحادشوروی وابسته بود، برای ادامه حیات به ونزوئلا روی آورد. اما با سقوط شدید بهای نفت در بازارهای جهانی در چندماه اخیر، ونزوئلا را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت دچار مشکلات عدیده اقتصادی کرد، به‌طوری‌که اکنون دیگر نمی‌تواند از اقتصاد در آستانه ورشکستگی کوبا هم حمایت کند. به گزارش «پلومیرگ»، ونزوئلا و کوبا نه‌تنها از نظر ایدئولوژیک به یکدیگر نزدیک هستند، بلکه همکاری‌های اقتصادی گسترده‌ای به‌ویژه در مبادله نفت و نیروی متخصص دارند؛ به‌طوری‌که ونزوئلا تا سال گذشته در چارچوب برنامه بارانه‌ای که هدفش ترویج پیام سوسیالیستی دولت کوبا بود، روزانه صدهزارشکه نفت در ازای دریافت پزشک و خدمات پزشکی به کوبا ارسال می‌کرد. اما در سال جاری میلادی هیچ‌مدرک رسمی‌ای که نشان دهد این مقدار نفت به کوبا ارسال شده، وجود ندارد. به اعتقاد کارشناسان، نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا، این روزها به تمام پولی که می‌تواند از راه فروش نفت به صورت نقدی به دست بیاورد، نیاز دارد و احتمالاً از این پس هم نفتی را که به کوبا ارسال می‌کرد، نقداً به فروش می‌رساند. اما ونزوئلا در شرایطی کوبا را تنها می‌گذارد که بازار این کشور به‌شدت از خروج سرمایه‌ها و کاهش روند صنعتی‌شدن رنج می‌برد. برآوردها



نشان می‌دهند ۱۱میلیون نفر جمعیت کوبا به یک‌میلیون مسکن تازه نیاز دارند. کاهش صادرات نسبت به واردات و بدهی‌های خارجی کوبا رکورد شکسته‌اند. فاصله درآمد طبقات اجتماعی، فقر و فحشا افزایش یافته که کاهش بودجه دولت دلیل این وضعیت است. از سوی دیگر اما تعداد دریافت‌کنندگان کمک‌های اجتماعی ۷۰درصد کاهش یافته و تولید کشاورزی، به‌خطر اعمال اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده، دستخوش رکود شده است: تقریباً همه زمین‌های کشاورزی به دولت تعلق دارند و تنها ۱۰درصد کشاورزان مستقل هستند. در عین‌حال کم‌توجهی به تامین آب آشامیدنی بهداشتی و مدیریت فاضلاب‌ها نیز خطر بروز بیماری‌های واگیر را افزایش داده است. همچنین در نتیجه صدور خدمات بهداشتی، کوبا با کمبودهایی در این زمینه روبه‌رو شده است. گفته شده متوسط دستمزد در این کشور ساعتی پنج‌سنت است. (۴/۵دلار در ازای ۹۰ساعت کار). این در حالی است که هزینه یک‌ساعت استفاده از اینترنت در یک کافیت در این کشور نیز تقریباً معادل همین مبلغ می‌شود.

چشم‌انداز رشد تجاری بین آمریکا و کوبا

به گزارش بی‌بی‌سی، اتاق بازرگانی آمریکا اعلام کرده از زمان قطع روابط میان واشنگتن و هاوانا، کوبا بیش از یک‌تریلیون‌صدمیلیارددلار ضرر کرده است. سفارت خارجه کوبا هم می‌گوید آمریکا از محل این قطع ارتباط سالانه

مهدی ذاکریان در گفت‌وگو با «شرق»:

تعامل جایگزین تقابل می‌شود

باور بودند که ایدئولوژی مارکسیّت پاسخگوی نیازهای مردمانشان است. اما ۵۰سال اخیر نشان داد هر دو اشتباه می‌کردند.

۵۰سال اخیر نشان داد هر دو اشتباه می‌کردند، توضیح بیشتری می‌دهید؟
اشتباه کوبا این بود که باور داشت با تکیه بر بایدوهایبادهای سوسیالیستی می‌تواند نظام خود را انطور که لازم است، مدیریت کند. آمریکایی‌ها هم انطور گمان می‌کردند که با تحریم می‌توانند نوع نگاه نظام و کشورها را تغییر دهند. اما حالا آنها می‌دانند گفت‌وگو و البته تعامل راهکاری اصولی است. دقیقاً به همین دلیل لازم به تاکید است که اتفاق رخ‌داده و آشتی دوکشور حرکتی تأثیرگذار برای آنها و حتی کل جامعه جهانی باید تلقی شود.

۴۰سال اخیر انطور گفت که مذاکرات مهم در خفا بهتر نتیجه می‌گیرد تا اینکه مسایل مطرح‌شده در مذاکره در رسانه‌ها بازتاب داشته باشند؟
قطعاً همین‌طور است. این تصمیم نشان داد مذاکرات پنهان برای مشکلات بزرگ از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است تا اینکه مذاکرات

یکمیلیارد۲۰۰میلیون دلار متضرر شده است. همچنین به گفته مقام‌های دولت کوبا تاکنون ۱۱۷میلیارددلار اقتصاد کوبا از اعمال تحریم‌ها متضرر شده است. واقعیت این است که گذشته از طرف آمریکایی، اقتصاد کوبا در حال حاضر به‌شدت به دولت، وابسته است و در صورت برداشته‌شدن تحریم‌ها، به فرصتی حیاتی برای سرمایه‌گذاران آمریکایی تبدیل خواهد شد، به‌طوری‌که شرکت‌های مالی، کشاورزان، شرکت‌های مسافرتی، تولیدکنندگان انرژی و خودرو و دیگر شرکت‌های تجاری آمریکایی می‌توانند در نهایت وارد بازار کوبا شوند. تولیدکنندگان سیگار برگ و شرکت‌های تولیدکننده نوشیدنی کوبایی نیز خواهند توانست بازارهای جدیدی در آمریکا برای خود دست‌وپا کنند. همچنین در بخش مخابرات نیز علاوه بر سود سرشاری که در انتظار بخش مخابراتی آمریکاست، مردم کوبا نیز از برخی مزایای این گشایش منتفع خواهند شد و میزان دسترسی آنان به اینترنت و تلفن بیشتر می‌شود. به‌نظر می‌رسد تجارت و روابط اقتصادی بین ایالات‌متحده و کوبا، با پایان دادن به نیم‌قرن خصومت و عدم‌روابط دیپلماتیک، می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی گسترش یابد. به دلیل همین چشم‌انداز روشن اقتصادی است که تام دونوهو، رئیس اتاق بازرگانی آمریکا که به‌عنوان یکی از منتقدان رئیس‌جمهوری دموکرات آمریکا شناخته شده است نیز با استقبال از عادی‌سازی روابط دوکشور گفته که در این راه کاملاً از طرح‌های کاخ‌سفید و یاراک اوپاما حمایت می‌کند. اما این همه ماجرا نیست. با ایجاد تسهیلات در روابط ایالات‌متحده و کوبا، دیگر کشورها نیز می‌توانند در کوبا به‌طور مستقیم سرمایه‌گذاری کنند. این سرمایه‌گذاری‌ها که اکنون از یک‌میلیارددلار هم کمتر است، می‌تواند تا ۱۷میلیارددلار افزایش یابد. بنا بر برآورد تحلیلگران، صادرات آمریکا به کوبا می‌تواند سالانه سر به پنج‌میلیاردو۹۰۰میلیون دلار برزند، در حالی که صادرات هاوانا به ایالات‌متحده آمریکا می‌تواند به شش‌میلیاردو۷۰۰میلیون‌دلار برسد. اما در گام نخست میزان پولی که آمریکایی‌ها می‌توانند با خود به کوبا ببرند، دوهزار دلار است و همچنین می‌توانند از کارت‌های اعتباری خود استفاده کنند؛ هرچند اعلام این مساله با توجه به محدودیت‌های موجود هنوز اندکی مبهم به‌نظر می‌رسد؛ به‌ویژه اینکه پرسش‌هایی در مورد نحوه برچیدن تحریم‌های اعمال‌شده علیه کوبا، مطرح شده و اینکه آیا ریاست‌جمهوری آمریکا قادر خواهد بود بدون همراهی با کنگره این تحریم‌ها را لغو کند، با دست‌کم تخفیف دهد یا خیر؟

مسیر طولانی احیای روابط دو جانبه

باراک اوپاما می‌گوید با عادی‌شدن مناسب‌ات دیپلماتیک، کم‌کم روابط اقتصادی نیز بین این دوکشور نیم‌کره غربی برقرار خواهد شد. اگرچه بعید به‌نظر می‌رسد کنگره آمریکا، با اکثریت سناتورهای جمهوریخواه در مجلس سنا و مجلس نمایندگان که به‌شدت مخالف این عادی‌سازی روابط هستند، تمامی تحریم‌های کوبا را در آینده‌ای نزدیک لغو کند. اما سابقه باراک اوپاما نشان داده که می‌تواند از فرمان اجرایی ریاست‌جمهوری برای اعمال نظراتش بهره گیرد. به باور برخی، رئیس‌جمهوری آمریکا با چرخش سیاست کاخ‌سفید در قبال کوبا، در حقیقت چالش دیگری با کنگره آغاز کرده و قصد مقب‌نشینی در این‌باره را ندارد. به همین دلیل است که کارشناسان سیاسی- اقتصادی با خوشبینی به آغاز راه احیای روابط سیاسی و اقتصادی دوکشور می‌نگرند؛ روندی که باعث خواهد شد تا سرمایه‌گذاری خارجی، به‌طور مشخص سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها که در ۱۷۷کیلومتری کوبا هستند، در کوبا به‌طرز قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یابد و کوبا در مسیر احیای اقتصادی کام بردارد. اما این به احتمال زیاد چشم‌اندازی درازمدت است و رفع بی‌اعتمادی ۵۰ساله، یک‌شبه رخ نخواهد داد.

مذاکره‌کنندگان در وترین رسانه‌های دنیا به نمایش گذاشته‌شود. پس باید درباره تبعات مثبت این رابطه اینطور گفت که این قبیل نتیجه‌گیری‌ها نظام بین‌الملل را از حالت موضع‌گیری‌های قطبی خارج و تصمیم‌گیران عرصه بین‌الملل را به سمت‌وسوی مذاکره و همکاری هدایت می‌کند.
۴۰این تحول، چه تغییری در فضای دیپلماسی آمریکای‌لاتین به وجود می‌آورد؟
اگر در سطح منطقه‌ای هم بخواهیم این مساله را بررسی کنیم، می‌توانیم بگوییم آخرین نمودهای سوسیالیسم‌مارکسیستی در حال رفتن به حاشیه و دنیا به سمت همکاری مبتنی بر کاپیتالیسم در حال حرکت است. همچنین از بعد ملی هم باید در نظر داشت صاحبان صنعت و اقتصاد کوبا از این پس فرصت‌های بیشتری برای تحرک اقتصادی خواهند داشت و همچنین آمریکایی‌ها آخرین سنگر آمریکایی‌انسان‌ها در هم در اختیار خود می‌بینند.
۴۰از این گفت‌وگو چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟
پیام تصمیم مشترک آمریکا و کوبا به دنیا این است دنیای امروز، دنیایی است که آمادگی منطق‌گرایی دارد و با آغوش باز به استقبال گفت‌وگو و تعامل می‌رود. دقیقاً به همین دلیل باید گفت امید به دنیایی که از اختلاف و چالش دوری کند، چندان گراف نیست.

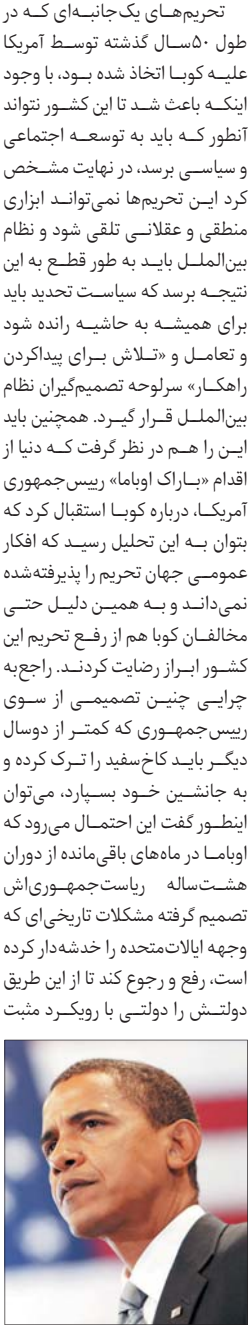
یکشنبه ۷ دی ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۹۶ • ۹

روزنامه جهان					
آمریکا چطور یکه‌تازی می‌کند؟	صفحه ۱۰				
مروری بر کتاب «معمای سرمایه و بحران‌های سرمایه‌داری»	صفحه ۱۱				
روان فرزندان، متأثر از نگرانی‌های والدین	صفحه ۱۲				

نگاه					
دیپلماسی آشتی					
سمیرا فرخ‌منش؛ قهر سیاسی ۵۰ساله هاوانا و واشنگتن، این روزها به نقطه پایانی خود نزدیک می‌شود. روسای جمهور دوکشور در خبری که بسیاری از کشورها را شگفت‌زده کرد، اعلام کردند؛ قصد آغاز دوباره رابطه تمام‌شده‌ای را دارند که از دهه۶۰ تاکنون به سردی گراییده بود. در این میان بسیاری از رهبران و مقامات، خرسندی خود را اعلام کردند و آن را «خبر خوبی» دانستند که می‌تواند به گسترش امنیت و صلح در محیط بین‌الملل کمک بسیاری کند. فرو ریختن این دیوار که سال‌ها بود بر روابط دوکشور سایه افکنده بود، از نظر موافقان این آشتی، پیامی است مبنی بر ضرورت نزدیک‌شدن بازیگران بین‌المللی به یکدیگر. برخی دیگر اما با اعتراض به این اتفاق، رویکرد آشتی با کشوری که موجب آسیب به منافع آمریکا بوده را رویکرد خطر‌سازی نام نهادند. این‌عده معترض شد که بیشتر در میان جمهوریخواهان آمریکایی جای گرفته‌اند. بر این باورند که رفتارهای ضدآمریکایی کوبا در چندین‌سال اخیر، حتی با ازسرگیری روابط نیز متوقف نخواهد شد. اما گذشته از همه این مواضع، آنچه نمی‌توان نادیده‌اش گرفت، تاکید دوکشور بر «واقعیات موجود» مصر حاضر است. واقعیات غیرقابل انکاری که با محوریت تاکید بر «منفعت ملی» نمود پیدا می‌کند و نمی‌توان آن را ندید. به زبانی دیگر همه مخالفان از سرگیری روابط آمریکا و کوبا در دوکشور، نمی‌توانند آنچه را که به‌عنوان رویکرد «منفعت‌محور» در عرصه تئوری‌های بین‌المللی می‌شناسند، بی‌ارزش ببندارند.					
نقش تعیین‌کننده «منافع ملی» در سیاست					
آنچه که دستیابی به آن در قرن حاضر از اصلی‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها به شمار می‌رود، احقاق منافع ملی است. روح این دغدغه به‌ویژه‌ی‌های این منافع بازمی‌گردد و طبیعتاً ارزش‌های ملی هرکشوری را شامل می‌شود. منافع ملی می‌تواند در هر محیطی با توجه به شرایط خاص آن تعریف و تفسیر شود. اما بعضی از اصول و اهداف در تمامی کشورها به‌عنوان اصول کلی شناخته شده‌اند و همگان آن را جزو «منافع ملی» خود به حساب می‌آورند. همچون دستیابی به امنیت همه‌جانبه یا حفظ قدرت دولت و ثبات موجودیت آن. در همین راستا، تمامی عواملی که چنین منافعی را تهدید کند از جمله فاکتورهای خطر‌ساز اطلاق می‌شود که دولت‌ها سعی در دوری جستن یا برطرف کردن آنها دارند. در جریان ازسرگیری رابطه آمریکا و کوبا به روشنی می‌توان جلوه این منفعت‌گرایی‌ها را در هر دوکشور مشاهده کرد.					
گرچه از آغاز انقلاب کوبا در ۱۹۵۱ فیدل کاسترو میل زیادی به ارتباط با آمریکا داشت، اما شور انقلابی این سال‌های این مبارز جوان باعث شد در ۱۹۶۱تمام دارایی‌های آمریکا در کوبا را ملی اعلام کند. پس از آن روابط دو کشور به حالت تعلیق در آمد و در تمامی این سال‌ها دوجانبه هیچ تعامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با هم نداشتند. اما برای بررسی حاصل این قطع ارتباط و پی‌بردن به وضعیت احقاق منافع ملی، نخست باید بررسی کرد سود و زیان این قهر طولانی چه بود؟					
آنچه تردیدی در آن نیست موقعیت نامطلوب اقتصادی کوبا در سال‌های اخیر بود. در ایام آغازین قطع رابطه با آمریکا تحریم‌های اقتصادی اطلاق علیه کوبا آغاز شد. متعاقب آن اتحاد جماهیر شوروی که تمامی تلاش خود را برای حمایت از کوبا می‌کرد، به همین نسبت نیز این کشور پذیرای سیاست‌های ضدآمریکایی شوروی در خود بود؛ تا جایی‌که در اکتبر ۱۹۶۲ کوبا میزان موشک‌های اتمی شوروی در خاک خود علیه آمریکا شد؛ رفتاری که دو کشور را تا آستانه جنگ اتمی پیش برد. پس آمریکا همچنان که می‌بایست نگران وضعیت رقیب خود در خلال جنگ سرد باشد، بیم خطر از جانب همسایه را نیز داشت. اما پس از فروپاشی شوروی، تمامی پشتیبانی‌های اقتصادی از کوبا مانند تنظیم واردات و صادرات تا تامین یک‌سوم تولید ناخالص ملی کوبا و ساخت کارخانه‌ها و ورود تکنولوژی به این کشور از زمان رفت و آنچه باقی ماند بدهی‌های سنگین ۳۵میلیارددلاری برای کوبا بود.					
سیاست شکست‌خوردۀ رفیق فیدل					
پس از آن بود که باوجود قدرت این کشور در تجارت شکر و تنباکو، اما سال به سال میانگین سطح اقتصادی کوبا و معیشت مردمان آن پایین آمد؛ تا جایی که حدود چهارسال پیش براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، وضعیت اقتصادی کوبا به مرحله‌ای از فروپاشی رسید که حتی در تامین اقلام اولیه و ضروری مردم نیز دچار بحران شده بود. اینکه اقتصاد مجیم دولتی این کشور باعث وقوع چنین شرایطی شد یا انزوای‌های انقلابی باقی‌مانده از آرمان‌های فیدل کاسترو، تفاوتی نمی‌کند، بلکه آنچه در تمامی این سال‌ها نمود داشته، مورد تهدید قرار گرفتن امنیت اقتصادی و اجتماعی این کشور است. از سوی دیگر آمریکا نیز تنها به تحقق اهداف واقع‌گرایانه خود در جهان خیره شده است. در حال حاضر دو دلیل عمده را می‌توان انگیزه اصلی آمریکا از درازکردن دست دوستی به کوبا دانست. نخست اینکه کوبا براساس پیشینه روابط مثبت نظامی- اقتصادی با شوروی داشت. با وجود قطع حمایت‌های شوروی پس از فروپاشی، پوتین مدت‌هاست به فکر گسترش روابط خود با همسایگان آمریکا افتاده است. در سفر چندماه پیش رئیس‌جمهور روسیه به کوبا، وی براساس طرحی مبتنی بر برادری و دوستی، ۶۰درصد از قرض‌های کوبا را به وی بخشید (رقمی نزدیک به ۳۱میلیاردو۷۰۰میلیون دلار). و قرار بر این شد که باقیمانده این بدهی در طول ۱۰سال به صورت اقساط پرداخت شود. نیازی به تاکید نیست که روسیه نیز به سبب فشارهای اخیر جامعه بین‌الملل روی خود، به فکر تغییر سیاست‌هاست. سیاست‌هایی که شامل ایجاد روابط جدید، قانع کردن دولت‌ها برای مقابله با آمریکا و دوزدن تحریم‌های بین‌المللی می‌شوند. پس طبیعی به‌نظر می‌رسد که آمریکا هم به جنب‌وجوش بیفتد و به جای قهر دیپلماتیک ۵۰ساله بی‌حاصل، به آشتی بین‌المللی روی بیاورد که تأمین‌کننده نیازهای وی باشد.					

یادداشت

اوپاما به دنبال پایانی خوش مهدی فاختری*



به تاریخ بسپارد. درباره وضعیتي که در کوبا منجر به این تصمیم شد هم باید در نظر گرفت از زمانی که «رائول کاسترو» ریس جمهوري کوبا به جای برادر نامدارش زمام امور و تصمیم‌گیری این کشور را برعهده گرفته است، شاهد تغییر و تحول البته به طور تدریجي در سیاست‌ها هستیم و در جامعه داخلی کوبا هم رویدادهای مشاهده شد که باعث شد دولت آمریکا را به این نتیجه برساند که کوبا، کوبایی سال‌های گذشته نیست، پس باید گفت تغییر شرایط رهبران دوکشور باعث شد تا اختلاف ۵۰ساله به پایان برسد؛ آن هم در شرایطی که روند مذاکرات به دور از هماهوهایی آتچانانی و رفتار تبلیغاتی بود تا نظام بین‌الملل از این به بعد تلاش بیشتری برای تعامل نشان دهد و برای همه مشخص کند دیگر مانند گذشته نباید فقط و فقط به تحریم یا تهدید متوسل شد و راه‌های بهتری برای حل اختلاف وجود دارد. همچنین درباره تأثیر شرایط جدید بین آمریکا و کوبا برای دوکشور می‌توان گفت طبیعتاً معاملات تجاری، سرمایه‌گذاری و توریسم تغییر شکل داده و به طور چشمگیری افزایش پیدا می‌کند و باعث توسعه می‌شود. نکته دوم هم این است که رفع یک بحران منطقه‌ای، روابط کشورهای منطقه را سهل‌تر می‌کند و باعث ایجاد رونق می‌شود.

«کارشناس آمریکای لاتین